

پای صحبت دکتر لیلا سلیقه‌دار، نویسنده



تفکر پژوهی؛ تفکری مبتنی بر مهارت‌های پژوهشی

صدیقه رضائزاد

بخواهند و من بتوانم انجام دهم و به آن کار علاقه‌مند باشم و نسبت به آن کار احساس نیاز بکنم، این سه عامل به من کمک می‌کنند که آن کار را هر چه بهتر انجام دهم. ممکن است از والدین و از منابع متفاوت کمک بگیرم، ولی در هر حال کار خودم است و نتیجه‌ای که از پژوهش می‌خواهیم بگیریم، می‌گیریم. حالا اگر معلم گرامی این نگاه را در هر دوره تحصیلی خصوصاً ابتدایی داشته باشند، و این سه عامل را در نظر بگیرند، تفکر پژوهشی در مدرسه تقویت می‌شود. یعنی لازم است خودشان را از پژوهش آکادمیک بیرون بیاورند و نگاه تفکر پژوهشی، یعنی تفکری که مبتنی بر مهارت‌های پژوهشی است، کسب کنند. آن وقت است که می‌توانند راه به جایی ببرند. اگر من به‌عنوان معلم پایه اول ابتدایی وارد کلاس شوم و بدون مقدمه بگویم دخترم، پسرم در مورد یک موضوع تحقیق کنید، این جمله یعنی من به‌طور کلی شایستگی حرفه‌ای برای برخورد با دانش‌آموز و کودک را ندارم.

چرا؟ پس به نظر شما پیش‌زمینه‌ای برای پژوهش‌های دانش‌آموزی خصوصاً در دوره دبستان باید وجود داشته باشد؟

بله، دقیقاً. این‌ها پایه دارد. مثلاً تحقیق در مورد یک سیب. اول باید بگوییم، بچه‌ها بیایند با هم اطلاعات بیشتری درباره سیب جمع‌آوری کنیم. برای رسیدن به اطلاعات بیشتر استفاده از حواس پنج‌گانه ضروری می‌شود. در شناخت سیب من دارم یک کار پژوهشی با دانش‌آموزان انجام می‌دهم. این مهارت پژوهشی رشد پیدا می‌کند و اگر همین‌طور پیوسته بالا برود و مهارت پژوهشی دانش‌آموز به اندازه کافی رشد کند، او خواهد توانست یک پژوهش را به‌درستی انجام دهد. توجه ما به پژوهش به شکل مهارت‌های پژوهشی باعث می‌شود که اگر فرد در زندگی‌اش با مسئله‌ای روبه‌رو شد، به‌درستی بتواند حلش کند.

اشاره

لیلا سلیقه‌دار دارای لیسانس علوم تربیتی، فوق لیسانس برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه آزاد اسلامی و دکترای برنامه‌ریزی آموزشی از کالج لندن است. او یکی از مؤلفان کتاب «آموزگاران و پژوهش‌های دانش‌آموزی» است که در یازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد به‌عنوان نامزد دریافت جایزه شناخته شده است. دکتر سلیقه‌دار دارای سابقه تدریس از پیش‌دبستان تا پیش‌دانشگاهی است و در آموزش عالی نیز تدریس کرده است. با وی در خصوص ایده‌های پژوهشی برای آموزگاران و دانش‌آموزان به صحبت نشستیم.

چرا؟ سرکار خانم دکتر سلیقه‌دار خوش‌حالم که دعوت ما را برای گفت‌وگو پذیرفته‌اید. لطفاً تعریفی روان و ساده از پژوهش بفرمایید.

تعریفی که کاربردی و قابل‌اعتنا و نیاز الان مدارس و دانش‌آموزان باشد این است که: مقصود از پژوهش‌های دانش‌آموزی رشد و توسعه مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان است. این تعریف کاملاً با تعریفی که در گذشته در شکل آکادمیک در مورد پژوهش وجود داشت، متفاوت است. از این لحاظ که خروجی آن لزوماً یک جلد کتاب نیست که بگوییم فصل‌های ۱، ۲ و ۳ این ویژگی‌ها را دارند. نگاه باید بر مهارت‌های پژوهشی متمرکز باشد. پژوهش نباید به‌عنوان یک عنصر جدا در کنار درس‌های دیگر قرار گیرد، بلکه باید در تلفیق با درس‌های بچه‌ها باشد و امکان پرورش داشته باشد.

چرا؟ پژوهش‌های دانش‌آموزی در دوره دبستان چگونه باید باشند که آموزگاران، اولیای دانش‌آموزان و دانش‌آموزان به انجام آن علاقه‌مند شوند؟

پژوهش باید برای همه دوره‌های تحصیلی حتی در دانشگاه، با توان، علاقه و نیاز مخاطب تناسب داشته باشد. اگر کاری از من

تعریف اضافه‌تری به معنای پژوهش اضافه می‌کنم. پژوهش به نوعی همان مهارت‌های زندگی است. اگر من مشکلاتی داشته باشم و مانعی سر راه من باشد، این تفکر پژوهشی است که به من کمک می‌کند برای عبور از مانع درست‌ترین راه را انتخاب کنم.

چوایه هدف کلی از پژوهش برای دانش‌آموزان چیست؟

هدف کلی و نقطه‌نهایی در امر پژوهش توانمند کردن هر فرد برای درست زندگی کردن است. ما غیر از این واقعاً دنبال چیز دیگری نیستیم. آیا وقتی بچه‌ها از آموزش و پرورش رسمی فارغ‌التحصیل می‌شوند و به جامعه می‌آیند، همه به دانشگاه می‌روند یا همه در رشته پژوهشگری تحصیل می‌کنند؟ فقط عده‌ای قرار است پژوهشگر بشوند. اما بقیه بچه‌ها چی؟ بقیه به تفکر پژوهشی احتیاج دارند و این یک مسئولیت عظیم برای آموزش و پرورش است که در خصوص تقویت تفکر پژوهشی دانش‌آموزان ایفای نقش کند و مؤثر باشد. به گونه‌ای که وقتی بچه‌ها از آموزش و پرورش رسمی خارج می‌شوند، افرادی باشند که بتوانند مسائل کوچک و بزرگ زندگی‌شان را به وسیله تفکر پژوهشی حل کنند.

چوایه آشنایی قبلی معلمان با روش‌های تحقیق

دانشگاهی و اقدام پژوهی چه قدر در امر هدایت دانش‌آموزان تأثیر دارد؟

پیش‌نیازی که همه معلمان احتیاج دارند تا وقتی وارد کلاس می‌شوند بتوانند مهارت‌های پژوهش را در دانش‌آموزان تقویت کنند، این است که خودشان به تحقیقات پژوهشی اشراف داشته باشند. معلم خود باید درگیر تفکر پژوهشی باشد. اگر معلم درگیر تفکر پژوهشی نباشد، چگونه می‌تواند دانش‌آموز را در امر پژوهش هدایت کند؟

بعد از مهارت‌های پژوهشی، اقدام پژوهی مطرح می‌شود که ماهیتش برای معلمان ساخته شده است و کمک می‌کند، نگاه معلم به هر چیز، نگاه حل مسئله باشد- اقدام پژوهی بر اساس تجربه خود و دیگران و سایر منابع شکل می‌گیرد و چون نگاه ساده‌تر و در دسترس‌تری دارد، به معلم کمک می‌کند که به راحتی خودش را با مهارت‌های پژوهشی انطباق بدهد- توجه داشته باشید، همه قرار نیست پژوهشگر به معنای حرفه‌ای آن بشوند اما همه می‌توانند تفکر پژوهشی داشته باشند.

چوایه برای انجام کارهای پژوهشی چگونه آموزگار در دانش‌آموز علاقه ایجاد کند؟

وقتی که نیاز اصلی دانش‌آموز مورد توجه قرار بگیرد، و وقتی او بفهمد که در اثر آن کار چیزی یاد می‌گیرد و خودش توانایی انجام آن کار را دارد، همکاری خوبی با آموزگار در زمینه پژوهشی خواهد داشت. اما اگر دیگری کار پژوهشی را برای دانش‌آموز انجام دهد، برایش جالب نخواهد بود و تمایلی به انجام آن نشان نخواهد داد. البته پژوهش باید در توان دانش‌آموز باشد.

چوایه بهترین و اثربخش‌ترین ابزار برای پژوهش چیست؟

به‌عنوان ابزارهای معینی برای پژوهش، فکر می‌کنم بسته‌های آموزشی مخصوص پژوهش مناسب باشند. اما اگر نگاهمان نگاه پژوهشی باشد، تمام ابزار موجود ابزار پژوهشی می‌شوند. یک کتاب یا یک فرد مطلع از پژوهش می‌تواند ابزار پژوهش باشد. حواس پنج‌گانه ما و همه ابزارهای داخل کلاس ابزار ما هستند. محدودیتی وجود ندارد. همه چیز می‌تواند ابزاری برای پژوهش باشد.

چوایه کتاب شما ظاهراً پس از تبادل نظر با گروه‌های

مختلف و گوناگون جامعه نوشته شده است. این تبادل

نظر به چه صورتی انجام گرفته است؟

این کتاب تألیف سه نفر است: من، آقای اصلائی و آقای مجدفر. هر سه نفر سال‌های زیادی در آموزش و پرورش خدمت کرده‌ایم و به تجربه‌های خوبی رسیده‌ایم. تنوع آدم‌هایی که دیده‌ایم، از پیش‌دبستان تا پیش‌دانشگاهی، و حجم عظیم مستنداتی که قبلاً به آن‌ها دسترسی داشته‌ایم، به ما کمک کرده است. اما فقط این نبوده است که پیمان را روی تجربه‌های گذشته گذاشته باشیم. ما هم‌زمان ارتباط مستقیمی با دانش‌آموزان و والدین آن‌ها داشته‌ایم. به علاوه، حضور در دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان خیلی به ما کمک کرده است.

چوایه در کتاب شما، آموزگاران چگونه در رابطه با پژوهش‌های دانش‌آموزی، با موضوع پژوهش آشنا

می‌شوند؟

یک کتاب، برای معلمان و در مورد پژوهش نوشته شده است. کتابی هم برای دانش‌آموز تألیف کردیم به نام «رنگین کمان» و والدین هم کتاب دیگری دارند. این سه کتاب حلقه را کامل می‌کنند. آموزگار اگر برای پژوهش موضوعی بدهد، می‌تواند خودش از کتاب مربوط به خودش بهره بگیرد و هم‌زمان دانش‌آموز هم از کتاب مربوط به خودش و اولیا هم از کتاب مربوط به خودشان استفاده می‌کنند. این‌گونه پژوهش راهبردی‌تر است.

خلاقیت و تعالی هیچ‌وقت نقطه اشباع ندارد و تمام نمی‌شود. این جمله را از دکتر تورانی نقل می‌کنم. این نقطه هیچ‌وقت به انتها نمی‌رسد. معلم نباید خودش را بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق بداند. همراهی والدین در صورتی امکان‌پذیر است که آگاه باشند و بگذارند دانش‌آموز جای خودش زندگی کند. آگاهانه فرزند خود را در زمینه پژوهش همراهی کنند تا دانش‌آموز هم‌زمان در مسیر درست قرار بگیرد. آن وقت تعالی و تلاش معلم در زمینه پژوهش‌های دانش‌آموزی مؤثر خواهد بود.

پژوهش باید برای همه دوره‌های تحصیلی حتی در دانشگاه، با توان، علاقه و نیاز مخاطب تناسب داشته باشد. اگر کاری از من بخواهند و من بتوانم انجام دهم و به آن کار علاقه‌مند باشم و نسبت به آن کار احساس نیاز بکنم، این سه عامل به من کمک می‌کنند که آن کار را هر چه بهتر انجام دهم



پای صحبت اکرم کشایی، شاعر

شعر خوب، نیازمند کشف‌های نوست

سودابه درخشنده

این طوری شعر گفتن من شروع شد. اما تا دوران دانشجویی هم شعر بزرگ‌سال می‌گفتم تا اینکه لطف خداوند شامل حال من شد و وارد «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» شدم. هم‌زمان با ورود به کانون و آشنایی بیشتر با ادبیات کودک و نوجوان، به شعر کودک و نوجوان گرایش پیدا کردم. در «کتاب ماه کودک و نوجوان» برای کتاب‌های تازه انتشار یافته در این حوزه نقد می‌نوشتیم و در «جلسات شعر رشد کودک» شرکت می‌کردم. در محضر صاحب‌نظران این حوزه نکته‌ها آموختم و به‌مرور تجربه اندوختیم. در مجلات کیهان بچه‌ها، رشد کودک، سلام بچه‌ها، روزهای زندگی، کوشش، باران و ... شعرهایم چاپ شدند. حالا احساس می‌کنم در خیابانی قدم می‌گذارم که هر چه بیشتر پیش می‌روم، راه را باریک‌تر و تاریک‌تر می‌بینم. شناخت مخاطب کودک و نوجوان آسان به‌دست نمی‌آید و شعر گفتن برای چنین مخاطبی کار دشواری است.

چو آید آیا بعد از کتاب صبح یک روز اردیبهشتی، کتاب دیگری در دست چاپ دارید؟

○ اخیراً یک کتاب شعر خردسال به کانون سپرده‌ام که برای چاپ مورد تأیید قرار گرفته است. از استادانم در این حوزه آموخته‌ام برای چاپ کتاب شتاب نداشته باشم. با انبوه‌سرای به‌ویژه برای مخاطبان کودک و نوجوان موافق نیستم.

چو آید کتاب شما چه مفهوم و مضمونی را به مخاطبان القا می‌کند؟

○ در بیشتر شعرهای مجموعه صبح یک روز اردیبهشتی شکلی از امیدواری نهفته است. این کتاب برای مقطع سنی نوجوانان سروده شده است. نوجوانی یکی از دوره‌های حساس زندگی به‌شمار می‌رود. نوجوانی دوره غلیان احساسات و طوفان هیجانات است. کشتی احساسات نوجوان در دریای متلاطم زندگی او مرتب دچار امواج سرکش ناامیدی می‌شود، اما این کشتی دوباره به دریای آرام امیدواری برمی‌گردد. در این مجموعه تلاش کرده‌ام در کنار بیان بعضی از حالات و احساسات غالب در این مقطع سنی، طعم شیرین امیدواری را به او یادآوری کنم.

اشاره

خانم اکرم کشایی متولد سال ۱۳۵۸ در تهران است. مجموعه شعر «صبح یک روز اردیبهشتی» نخستین مجموعه شعر نوجوان اوست که توسط «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» منتشر شده است. او در بیشتر اشعار این کتاب از طبیعت الهام گرفته است.

خدا / سایه ابر را / از سر درخت / سایه درخت را / از سر زمین / کم نمی‌کند / همه دور سفره خدا / نشسته‌اند

کتاب مذکور در «جشنواره ادبی، فرهنگی و هنری شمس» رتبه اول مجموعه شعر کودک و نوجوان را دریافت داشته و در «شانزدهمین جشنواره کتاب سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به‌علت نگاه تازه، جذابیت عناوین شعرها و پایان‌بندی‌های مناسب در بخش «کتاب‌های خودمان»، رتبه اول را کسب کرده است. اکرم کشایی بیش از ۲۰ مقاله نقد ادبی نیز منتشر کرده است.

این کتاب در فصل‌نامه «اقلیم» توسط آقای اصیلان قزل‌لو و در مجله کتاب ماه کودک و نوجوان «توسط خانم انسیه موسویان نقد شده است.

چو آید خانم کشایی، لطفاً بفرمایید از کی به سرودن شعر پرداختید و چه‌طور وارد حوزه شعر کودک و نوجوان شدید؟

○ شعر را کلام خیال‌انگیز تعریف کرده‌اند. شاید سابقه سرودن را برای یک شاعر باید در زمانی جست‌وجو کرد که اولین خیال‌های شاعرانه، هر چند به‌صورت پراکنده و غیرمنسجم، در ذهن او شکل می‌گیرند. من به‌صورت غیررسمی شعر گفتن را از کودکی شروع کردم. تصویری از دوران کودکی‌ام به یاد می‌آورم، زمانی که هنوز کلمات و جملات را درست ادا نمی‌کردم. در خودروی پدرم نشسته بودم و باد تندی لابه‌لای شاخ و برگ درختان می‌پیچید. تماشای این تصویر خیلی برایم جالب بود. با شادی دست می‌زدم و می‌خواندم: «درختا با می‌یاد!» ترجمه‌اش می‌شود: «باد می‌وزد و برگ‌های درختان تکان می‌خورد!»

من آن روز شعر گفته بودم و تصویر خیال‌انگیزی در ذهنم نقش بسته بود. این اولین شعر غیرمکتوب من بود!

چوایه ۹۱ شما سال‌هاست به‌عنوان مربی ادبی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنید. توصیه شما به نوجوانان و جوانانی که به سرودن شعر علاقه‌مند هستند، چیست؟

○ نوجوانانی که به شعر علاقه‌مند هستند، معمولاً خودشان مسیر خودشان را پیدا می‌کنند. علاقه و انگیزه مثل یک نیروی محرکه، مسیر را هموار می‌کند. فقط به کمی پشتکار و اراده هم نیاز دارد. گفته‌اند: «دانایی، توانایی است.» این یک جمله کلیدی است. نه تنها برای کسانی که به شعر علاقه‌مند هستند، بلکه برای تمام کسانی که به یک حوزه شناختی علاقه دارند. شعر نوعی درک و شناخت است؛ شناخت از طبیعت، از پیرامونمان و از خودمان. این شناخت به‌دست نمی‌آید مگر با بیشتر دانستن. مطالعه کتاب‌های شعر و آشنایی با نوع نگاه هر شاعر به پیرامونش و آشنایی با جریان‌های شعری معاصر در این زمینه بسیار راهگشاست. خداوند در قرآن کریم سوره مبارکه زمر آیه ۹ از بندگانش می‌پرسد: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؟» آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ بدون تردید برابر نیستند. بنابراین شاعرانی که در زمینه تخصصی مورد علاقه خود مطالعه دارند، شاعران موفق‌تری خواهند بود. دست به نوآوری می‌زنند و عیار شعرشان بالاتر از بقیه است.

همچنین، یکی از ویژگی‌های شاعران موفق این است که از ساده‌ترین اتفاقات الهام می‌گیرند. آن‌ها شعر را در دوردست‌ها جست‌وجو نمی‌کنند. گاهی شعر آن‌قدر به ما نزدیک است که آن را نمی‌بینیم. من فکر می‌کنم هر انسانی به‌صورت بالقوه شاعر است و شعری در سر دارد. شاعران آن دسته هستند که شعر را می‌بینند و دیگران نمی‌بینند. به دوستان نوجوان و جوان شاعرم پیشنهاد می‌کنم برای یافتن مضامین بکر شاعرانه کمی زاویه دیدشان را تغییر بدهند و در زندگی روزمره و در اطرافشان به دنبال این مضامین باشند.

چوایه ۹۲ از نظر شما ویژگی‌های شعر خوب چیست؟

○ در هر قالبی، رعایت اصول شاعرانه کافی نیست و به ایده نو و یا کشف جدید نیاز است. در غیر این صورت، شعر مورد استقبال مخاطب قرار نمی‌گیرد و تکرار حرف دیگران خواهد بود. سخن نو آوردن کار سختی است. در واقع، اثری ماندگار است که به کشف ایده نو بینجامد.

چوایه ۹۳ آیا وبلاگ و یا سایتی هست که شعرهای شما را منتشر کند تا از این طریق بتوانید نظر مخاطبان را دریافت کنید؟

○ به نکته خوبی اشاره کردید. امروزه به‌واسطه وجود فضای مجازی وب، محمل شناخت مخاطب بیشتر از گذشته فراهم شده است. در اینجا فرصت را مغتنم می‌شمارم و توجه شما را به ضرورت وجود وبسایتی جامع از اشعار شاعران نوجوان جلب می‌کنم؛ وبسایتی که امکان ارتباط مستمر شاعران نوجوان

را با مخاطبان اصلی اشعارشان فراهم کند. فضایی که نوجوانان علاقه‌مند بتوانند به‌عنوان یک سایت مرجع به آن مراجعه کنند و اشعار آن سایت را از دیدگاه خود مورد نقد و بررسی قرار بدهند. بدون تردید بعد از مدتی خوانندگان فعال شعرهای نوجوان تا حدی شناسایی می‌شوند.

یکی از راه‌های مخاطب‌شناسی ثبت و تحلیل و انتقال نظرات مخاطبان آثار تولیدشده به پدیدآورندگان آن آثار است. به این صورت که با تجزیه و تحلیل واکنش مخاطبان نسبت به آثار تولیدشده، می‌توان مسیر آثاری را که قرار است در آینده تولید شوند، پیش‌بینی کرد. البته فضای مجازی وب علاوه بر محاسنی که برشمرده شد، دارای آسیب‌هایی نیز هست. چرا که تا حدی از دنیای واقعیت فاصله دارد و امکان خطا در به دست آوردن نتیجه مطلوب وجود دارد. لذا فکر می‌کنم در این خصوص بهتر است به‌صورت سازمان‌دهی شده یک وبسایت جمعی با حضور تمامی شاعران نوجوان ساخته شود و بررسی‌های لازم از نظرات مخاطبان اشعار توسط کارشناسان این حوزه صورت بگیرد تا آمار کمی و کیفی به‌دست‌آمده از این سایت اعتبار بیشتری داشته باشد.

چوایه ۹۴ در پایان اگر نکته قابل‌ذکری هست، بفرمایید.

○ شعر نوجوان شعر دشواری است. شاعر شعر نوجوان برای بزرگ‌سالی خود نمی‌سراید، او حتی نمی‌تواند به دوران نوجوانی خود بازگردد و برای نوجوانی خود بسراید. شعر نوجوان، از یک نظر متعلق به یک مقطع زمانی کوتاه است برای نوجوانان امروز. نوجوان باید بتواند پاسخ سؤال‌های فراوانش را در شعرهایی که می‌خواند پیدا کند. باید عناصر تشکیل‌دهنده آن شعر - حس و عاطفه، خیال و اندیشه - متعلق به نوجوان باشد. شعر نوجوان باید آینه‌ای باشد که نوجوان خود را در آن می‌بیند. بنابراین شعر نوجوان شعر دشواری است.

ما وقتی از مخاطبان نوجوان صحبت می‌کنیم، منظورمان یک دایره بزرگ از نوجوانان با اشتراکات فراوان نیست. بلکه این مخاطبان دایره‌های کوچک و بزرگی هستند با اشتراکات و اختلافات بسیار و با طیف‌های مختلف. در عین حال که ممکن است یک کتاب شعر با اقبال عمومی مخاطبان مواجه نشود، اما این امکان هم وجود دارد که دایره کوچکی از مخاطبان نوجوان را با خود همراه سازد. بنابراین تنوع در شعر نوجوان زیاد است. سلاقت و علاقت نوجوانان بسته به شرایط محیطی و زمانی که در آن زندگی می‌کنند، با هم متفاوت است. از طرف دیگر به گمان من، شعر نوجوان بیشتر شبیه به یک پل است؛ پلی که نوجوان را به سمت دنیای شاعرانگی در دوره بزرگ‌سالی سوق می‌دهد، تا حدی سلیقه ادبی او را به‌وجود می‌آورد و او را به قالب شعر علاقه‌مند می‌کند. از این منظر اهمیت شعر نوجوان بیشتر مشخص می‌شود.

نوجوان باید بتواند پاسخ سؤال‌های فراوانش را در شعرهایی که می‌خواند پیدا کند. باید عناصر تشکیل‌دهنده آن شعر - حس و عاطفه، خیال و اندیشه - متعلق به نوجوان باشد



پای صحبت دکتر مهدی چوبینه، نویسنده

تلنگری برای هویت جویی

معصومه شجاعی

به این شکل تولید می‌شوند. الان حتی از رایانه بی‌نیازیم و با تلفن همراه، مطالب خود را منتقل می‌کنیم. اما اگر جامعه ما بخواهد جایگاه مناسب خودش را در فناوری اطلاعات حفظ کند، ناگزیر است به این سمت متمایل شود. هر چند این را هم باید گفت که خود کتاب احساس دیگری در انسان ایجاد می‌کند. شما در دنیای دیجیتال ممکن است حجم زیادی از اطلاعات را در کمترین زمان ممکن منتقل کنید، اما بوی کاغذ و احساسی را که از دست گرفتن کتاب در انسان ایجاد می‌شود نمی‌توانید به مخاطبان خویش منتقل کنید. لذا کتاب همیشه «یار مهربان» خواهد بود و احساس ما به کتاب‌های کاغذی همچنان باقی خواهد ماند.

چرا این چه هدفی در تألیف این مجموعه کتاب‌ها مدنظر تان بود؟

○ معرفی جغرافیای ایران، اولین هدفمان بود. زیرا ما به‌عنوان یک ایرانی می‌باید سرزمین خودمان را بشناسیم؛ از آن مهم‌تر همسایگان خود را بشناسیم و از آن هم مهم‌تر، امکانات و امتیازات داخل کشورمان را بشناسیم. شناخت محیط‌های نزدیک برای بچه‌ها بسیار اهمیت دارد. من نگرانم که نوهام نتوانند نقشه جغرافیای ایران را بفهمد. چون بچه‌های امروزی حال و حوصله کتاب خواندن را ندارند و ما باید راهکاری متناسب با ذائقه آن‌ها فراهم کنیم. مثلاً به جای کتاب ۱۰۰ صفحه‌ای، کتاب ۳۰ صفحه‌ای تولید کنیم و به جای مطالب، از تصویرهای بیشتری برای تحقق اهدافمان کمک بگیریم. علاوه بر این، با توجه به قرابتی که بچه‌ها با استان محل زندگی‌شان دارند، اطلاعاتی که ما درباره استان آن‌ها در مجموعه چراهای شگفت‌انگیز تهیه می‌کنیم، احساس خوشایندی در آن‌ها به‌وجود می‌آورد. لازم به توضیح است که ما ضمن اینکه می‌باید حافظ آثار و میراث گذشته باشیم، باید مراقب باشیم که فرهنگ غنی‌مان بدون آسیب به نسل‌های بعد انتقال یابد و بدین طریق پایداری فرهنگی ایجاد شود. ما از صمیم قلب می‌خواهیم که هیچ خدش‌های به این مرز و بوم وارد نیاید.

○ با وجود اهمیتی که درس جغرافیا و اقلیم‌شناسی برای دانش‌آموزان دارد، متأسفانه علاقه زیادی به یادگیری آن نشان نمی‌دهند. پس اگر ما بخواهیم خصوصیات جغرافیایی ایران را به حافظه فرزندان این مرز و بوم

اشاره

دکتر مهدی چوبینه متولد ۱۳۳۳ در «رامیان»، از کارشناسان قدیمی «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و به عبارتی، ناظر معرفی کتاب‌های درسی است که مدتی در بخش مدیریت و مدتی هم در پست معاونت دوره متوسطه دفتر برنامه‌ریزی و تألیف خدمت کرده. و در مجموع، ۲۲ سال با این سازمان همکاری داشته است. در حال حاضر نیز عضو هیئت تحریریه و مدیر داخلی مجله «رشد آموزش جغرافیا» است. وی فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی جغرافیای عمومی از دانشگاه تربیت‌معلم، کارشناس ارشد جغرافیای طبیعی از دانشگاه تهران و دانش‌آموخته دکتری جغرافیای طبیعی در گرایش ژئومورفولوژی است. ایشان علاوه بر داوری در دوره‌های مختلف جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد در سال گذشته عضو کمیته علمی جشنواره بود و اکنون خود به‌عنوان مؤلف مجموعه کتاب‌های «چراهای شگفت‌انگیز» در جشنواره شرکت کرده است.

چرا لطفاً مجموعه کتاب‌های «چراهای شگفت‌انگیز» را به اختصار معرفی کنید.

○ این کتاب‌ها برای مخاطبان نوجوان به رشته تحریر درآمده‌اند و هر کتاب یک مجموعه ۳۲ صفحه‌ای است با یک فهرست مشابه که برای معرفی همه استان‌ها تکرار می‌شود. تحقیق ما در مورد استان‌ها به ترتیب حروف الفباست. البته به‌استثنای تهران که ابتدا به‌عنوان پایلوت معرفی شد تا ببینیم با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم تا پیش‌بینی‌های لازم را برای سایر استان‌ها داشته باشیم. واقعیت این است که نوجوانان ما تا حدودی از کتاب خواندن فاصله گرفته‌اند و قدری هم ذائقه‌شان عوض شده است. ما در روزگار خودمان «کلیله و دمنه» می‌خواندیم و آن نثر سخت را می‌فهمیدیم. اما نسل حاضر بعد از خواندن بیش از سه سطر حوصله‌اش سر می‌رود. بنابراین نوشتن برای این نسل باید متناسب با ذائقه‌اش باشد.

○ فکر نمی‌کنید که این امر باعث شود، ناشران ما بیشتر به سمت تولید کتاب‌های الکترونیکی پیش بروند؟
○ خب این اجتناب‌ناپذیر است. قطعاً در آینده این اتفاق خواهد افتاد. اگر روزگاری برخی از اطلاعات محرمانه ما به شکل دیجیتالی یا فناوریانه بود، الان کتاب‌های معمولی و برخی از مجلات و روزنامه‌ها

بسیاریم، چه باید بکنیم؟

بنامید. در هر صورت ماهیتش جغرافیاست. به هر کسی هم در هر کجای دنیا نشان بدهید. حتی اگر به زبان چینی باشد، از روی تصویرهایش می‌فهمند که کتاب جغرافیاست؛ چون ذات و ماهیتش در همه‌جا یکی است.

اما بحث ما مسئله مهم هویت‌یابی در سن نوجوانی است و دلیل انتخاب این سن برای تألیف این کتاب نیز انجام وظیفه‌ای است که بر دوش جامعه، اعم از خانه، مدرسه و نیز اصحاب قلم قرار دارد. زیرا اگر نتوانیم آنچه را که می‌باید به زبان قابل فهم نوجوان به او آموزش دهیم، به او منتقل نکنیم و زمینه ثابت هویتی‌اش را فراهم نیاوریم، مثل این است که در وقت یادگیری پرواز توسط پرنده، این فرصت را از او بگیریم. در این صورت صدمه جبران‌ناپذیری به آموزش نوجوان وارد می‌آید و مثل آن پرنده زمین‌گیر می‌شود!

چوایه ۹۰۱ چه فعالیت‌هایی برای تألیف کتاب‌ها انجام داده‌اید؟

ابتدا از من و آقای امیری دعوت به عمل آمد که در انجام چنین پروژه‌های همکاری کنیم که هر دوی ما از آن استقبال کردیم. در بدو امر برنامه‌ای در فاصله زمانی مشخصی برای تولید کتاب‌ها تهیه کردیم. سپس به طراحی برنامه محتوایی پرداختیم. بر این اساس تقسیم کار انجام شد و شروع کردیم به تهیه اطلاعات اولیه که به دلیل انبوه بودن اطلاعات جمع‌آوری شده، به انتخاب بهترین‌ها پرداختیم. سپس اطلاعات را براساس هدفی که داشتیم پردازش و کنترل کردیم تا با گروه سنی ما از لحاظ محتوا و شیوه بیان سازگار باشد.

یک هفته مجبور بودیم به مسافرت برویم. علاوه بر این، حتی در مسافرت‌های خانوادگی نیز من به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز می‌پرداختم. بعد از تهیه مشخصات و اسامی و تهیه تصویرهای مناسب توسط خود ناشر، نوبت به چینش صحیح مطالب در کتاب و تکمیل شدن اطلاعات مربوط به هر استان رسید که نام سازمان‌دهی محتوا بر آن نهاده بودیم و الگوی مبتنی بر سیستم علمی بر مبنای روش تحقیق بود. در آخر با تهیه پیش‌نویس هر استان و تحویل آن به ناشر، نفس راحتی می‌کشیدیم و سراغ استان بعدی می‌رفتیم.

چوایه ۹۰۲ کدام بخش از کتاب مورد توجه خودتان قرار گرفت؟

آن بخش‌هایی که در کتاب‌های دیگر مشابه ندارند؛ مثل معرفی بازی‌های محلی یا زبان‌های محلی و لهجه‌هایی که به کار می‌برند یا کلماتی که در آن استان به زبان محلی تلفظ می‌شوند.

چوایه ۹۰۳ برنامه‌ای برای آینده در این زمینه دارید؟

من از روزی که وارد شاخه علمی جغرافیا شدم، خیلی زود فهمیدم که چه دنیای بی‌پایانی است. دانش جغرافیا دانش بی‌پایانی است و پیشنهاد می‌کنم ناشران و مؤلفان به موضوعات گوناگون جغرافیا وارد شوند و برای دیگر گروه‌های سنی به تهیه کتاب بپردازند. چون خواندن این کتاب‌ها اختیاری است، مورد توجه بچه‌ها قرار می‌گیرد. یقیناً اگر استقبال خوبی از این کتاب‌ها بشود، ناشران و مؤلفان هم تشویق می‌شوند که این راه را ادامه دهند.

بله کاملاً درست است. به‌نظر می‌آید که ما مقصریم. زیرا نتوانستیم امتیازات و ارزش‌های این دانش پایدار را به بچه‌ها گوشزد کنیم. جغرافیا هم‌زاد انسان است. بشر وقتی روی کره خاکی پا گذاشت، به شناخت کوه و دریا و رود و محیط اطرافش پرداخت. بنابراین جغرافیا با بشر متولد شد. در تمام دوره‌هایی که جهان به لحاظ علمی توسعه پیدا کرد، جغرافیا هم توسعه یافت، اما اتفاقی که افتاد این بود که ما در جایی در آموزش جغرافیا متوقف شدیم. ما هنوز از روش‌های سنتی برای انتقال دانش جغرافیا استفاده می‌کنیم. آموزش جغرافیا با دانش جغرافیا تفاوت دارد. به دانش جغرافیا هر روز مطلب تازه‌ای اضافه می‌شود، اما آموزش جغرافیا، چگونگی انتقال این موضوعات به مخاطبان است.

چوایه ۹۰۴ آیا کتاب‌های کمک آموزشی، از جمله مجموعه‌ای که شما فراهم کرده‌اید، می‌توانند در آموزش بهتر جغرافیا به دانش‌آموزان مؤثر باشند؟

البته، اما باید به مطالبی که قبلاً اشاره کردم، یک نکته را هم اضافه کنم؛ اینکه در حال حاضر در نظام آموزشی ما توجه لازم به جغرافیا نمی‌شود. البته ممکن است این یک ادعا باشد، اما کسانی که تعصب و علاقه‌ای نسبت به دانش جغرافیا دارند و اهمیت آن را در زندگی بشر می‌دانند، باید در هر فرصتی که به‌دست می‌آورند، نسبت به رفع کاستی‌ها اقدام کنند. به‌نظر من این کتاب‌های غیردرسی می‌توانند تا حد زیادی در این مورد مؤثر باشند. این یکی از ضرورت‌های تولید کتاب چراهای شگفت‌انگیز بود.

چوایه ۹۰۵ چه ویژگی‌های خاصی در این مجموعه وجود دارد که آن را از دیگر موارد مشابه متفاوت می‌کند؟

من خبر دارم که ناشران و مؤلفان دیگری هم در این حیطه کار کرده‌اند. اما تفاوت این مجموعه با دیگر کتاب‌ها این است که اولاً مخاطب خاص خودش را دارد که نوجوانان هستند. یعنی دانش‌آموزان سال‌های آخر دوره ابتدایی (کلاس‌های پنجم و ششم) و اول و دوم متوسطه. دوم اینکه متناسب با ذائقه این گروه سنی نوشته شده است. علاوه بر این حافظ فرهنگ محلی این مرز و بوم است.

چوایه ۹۰۶ آیا محتوای کتاب‌های شما به گونه‌ای هست که بخشی از بار کتاب‌های درسی را کاهش بدهد؟

هم‌بله هم نه. به این دلیل که برنامه‌های درس رسمی همه کشورها موضوعی به‌نام جغرافیا دارد. اصلاً کلمه جغرافیا هویت است. هیچ نظام آموزشی نیست که بگوید من به هویت مخاطبانم کاری ندارم. اتفاقاً دغدغه نظام آموزشی ما ایجاد و تقویت هویت است؛ اعم از هویت ملی و دینی، تاریخی، تمدنی و غیره. حالا یک‌وقت طی شرایطی در تنگنایی قرار می‌گیرد و تغییراتی در ظاهر برنامه به‌وجود می‌آید، اما ماهیت و ذاتش تغییر نمی‌کند. شما به جای جغرافیا بگویید «صورت‌الارض»، بگویید «معرفت‌الارض» و یا با هر عنوان دیگری که می‌خواهید، آن را



پای صحبت دکتر سیداحمد زرهانی، نویسنده



قطره ناچیز چگونه به دریای بی‌کران راه می‌یابد؟!

اشرف حمیدی

«عشق»، «مشارکت نوجوانان در خانه، مدرسه و جامعه»، «قهرمان دبیرستان امیرکبیر» و «گلشن تکبیر» اشاره داشت. وی همچنین به مطالعه و تحقیق در زمینه تقریب مذاهب اسلامی پرداخته است و هم‌اکنون مدیر مسئول «فصل‌نامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی» به نام «فروغ وحدت» است.

چوایه آقای دکتر از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، سپاس‌گزارم. از آنجا که عنوان و موضوع کتاب شما دعا و نیایش است، مناسب می‌دانم پرسش‌های آغازین این باشد که بهترین تعریف و توصیف شما از دعا و نیایش چیست؟

○ دعا حلقه وصل عبد با معبود و وسیله پیوند عاشق با معشوق است. هنگام نیایش، قطره ناچیز به دریای بیکران راه می‌یابد. دعا و نیایش فرصت پرواز از خاک تا فراتر از افلاک است. دعا کلید نجات از تنهایی و بی‌کسی است. دعا مشهود حقیقت خواهش و فریادرسی است. دعا فرصت شکوفایی فطرت در پیشگاه فاطر است.

چوایه هر چند که نمی‌توان در این مجال درباره جایگاه دعا و نیایش در قرآن و سیره حضرات معصومین (علیهم‌السلام)، آن‌طور که شایسته است سخن گفت، اما چنانچه صلاح می‌دانید برای بهره‌مندی خوانندگان، به اجمال در این باب توضیحاتی ارائه فرمایید.

○ قرآن و عترت اصلی‌ترین گنجینه‌های رازونیز با خدای مهربان است. دعاهای قرآن سرشار از نکات معرفتی، حکمت‌آموز و اجتماعی‌اند. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با پرداختن به دعا و نیایش اسباب پیوند زمینیان را با آن سوی هستی فراهم آورده‌اند و درهایی از معارف جاودانه را به روی انسان‌ها گشوده‌اند.

اشاره

کتاب «دعا و نیایش» محصول «مؤسسه فرهنگی برهان مدرسه» (انتشارات مدرسه) مورد توجه داوران یازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد قرار گرفته است. به همین بهانه گفت‌وگویی با مؤلف آن انجام داده‌ایم.

سیداحمد زرهانی، پژوهشگر، شاعر، نویسنده و مدیر فرهنگی که پس از پایان دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران، با عنوان دانشجوی نمونه، تحصیل خود را در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مدیریت ادامه داد و دکترای مدیریت بازرگانی را از دانشگاه آزاد اسلامی اخذ کرد. او در سال ۱۳۶۳ به دعوت دکتر سیدکاظم اکرمی به وزارت آموزش و پرورش رفت و به‌عنوان معاونت پرورشی این وزارتخانه مشغول کار شد.

در دوران وزارت **محمدعلی نجفی**، وی به‌عنوان قائم‌مقام وزیر در انجمن اولیومریبان، سپس معاون مشارکت‌های مردمی و مدارس غیرانتفاعی و در نهایت به‌عنوان معاون پرورشی وزیر خدمت کرد. هنگام تصدی وزارت آموزش و پرورش توسط **حسین مظفر**، وی حدود دو سال به‌عنوان معاون پشتیبانی وزیر دارای مسئولیت بود. سپس در سال ۱۳۸۲ به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفت و تا سال ۱۳۸۵ با عنوان معاون وزیر و رئیس سازمان حج و زیارت به خدمت پرداخت. در دهه اخیر ضمن تدریس و پژوهش در «دانشگاه مذاهب اسلامی»، معاون و قائم‌مقام ریاست این دانشگاه بوده و هم‌اکنون معاون امور راهبردی دولت و مجلس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است.

زرهانی تألیفات متعددی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، پژوهشی، تعلیم و تربیت، ادبیات، شعر و داستان دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های «به‌سوی روشنائی»، «چالش‌های امروز جامعه ما: سیری در آفات انقلاب اسلامی ایران»، «منظومه

در دعاهای قرآن و اهل بیت، ابعاد وسیعی از جهان بینی توحیدی و آداب بندگی ترسیم شده است. کسانی که با «صحیفه سجاده» انس و آشنایی دارند، به عظمت دعا در لسان اولیای خدا پی می‌برند و از آن دریای ژرف علوم معنوی گوهرها به دست می‌آورند و در لحظه‌هایی خوش و پرالتهاب، چشم از ماسوی... می‌بندند و به کاروان دلباختگان دوست می‌پیوندند. صحیفه سجاده از یک منظر هم کتاب خدانشناسی است و هم منظومه امام‌شناسی، و زیبایی معبود و شیدایی عبد در این آینه نورانی قابل رؤیت است.

چوایه به عنوان یک پژوهشگر و نویسنده در عرصه‌های اجتماعی و کارشناس تعلیم و تربیت، وضعیت دعا و نیایش را در جامعه و زندگی امروزی به‌ویژه بین نوجوانان و جوانان چگونه ارزیابی و تبیین می‌فرماید؟

در پرتو انقلاب اسلامی جایگاه نماز و نیایش و دعا بهبود یافته است. اما در دنیای سرمایه‌داری که مادی‌گرایی ترویج می‌شود، پیوند زمین و آسمان و نیایش و بندگی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی و تربیتی باید هوشمندانه در مقام احیای پیوند انسان با خدا برنامه‌ریزی کرد و چیستی و هستی انسان را به یاد آینده‌سازان آورد. کودک و نوجوان با فطرت پاک می‌تواند آسان‌تر با خدا ارتباط برقرار کند. باید با ظرافت بر کارآمدی مشوق‌ها افزود و نوعی خودانگیختگی فطری در نسل نو ایجاد کرد تا با نشاط و بی‌ریا به خدا روی آورند و با خالق خود راز و نیاز کنند. مادی‌گرایان روی طبیعت انسان سرمایه‌گذاری می‌کنند و موحدان بر شکوفایی فطرت خداجوی بشر تمرکز دارند و در عین حال از نیازهای طبیعی او هم غافل نیستند. در برنامه‌های فرهنگی باید به خودشناسی و خدانشناسی هم‌زمان عنایت شود تا فرزندان ما از مدار یکتاپرستی خارج نشوند و ذیل اسمای حسنای خداوند مجال رشد و تکامل پیدا کنند.

چوایه با عنایت به آنچه فرمودید، اجازه بدهید این سؤال را مطرح کنم که از دیدگاه شما کم‌توجهی و یا خدای ناکرده، بی‌توجهی به اصل دعا و نیایش چه پیامدهایی در زندگی ما می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

کم‌توجهی به دعا و نیایش از یک زاویه مثل تحمل تشنگی است. تشنه باید آب گوارا بنوشد تا از محنت رهایی یابد. زندگی در این دنیا ملامت و ناملایمت دارد. دعا و نیایش در هر دو حالت اسباب تقرب انسان به خداوند و رهایی از فشارهای جسمی و روحی را فراهم می‌آورد. دعا همراه با کار و تلاش و توکل به خدا راه عبور از موانع را هموار می‌کند و فرصتی به ارمغان می‌آورد تا توانا از سر لطف و کرم دست ناتوان را بگیرد و او را به مقصد برساند. انسان به همان اندازه که به آب و آفتاب نیاز دارد، به حیات طیبه هم نیاز دارد. حیات طیبه در اثر تقرب به خدا و به‌وسیله عبادت و نیایش و پیوند با پروردگار حاصل می‌شود. انسان زنده و

مجهز به حیات طیبه نامیرا و بی‌حرکت است و در دنیا و آخرت سپیدروی و زیباست.

چوایه با توجه به سابقه و مسئولیت‌های متعدد شما در جای‌جای آموزش و پرورش، به‌ویژه حوزه‌های پرورشی و تربیتی، در ارتباط با چگونگی پرداختن به دعا و نیایش چه توصیه‌هایی دارید؟

ادبیات و هنر بهترین کارآمدی را برای آموزش آداب نیایش دارند. در هزاره گذشته، نیاکان ادیب و هنرمند ما توانسته‌اند با خلق آثار هنری و ادبی بدیع و دل‌انگیزی، ارتباط عبد و معبود را تسهیل و تنظیم کنند. باید از این دو موهبت بیش از پیش استفاده کنیم.

چوایه آیا می‌توان از ظرفیت کلاس درس‌هایی مانند انشا و هنر، از جمله خطاطی یا نقاشی، در ورود آگاهانه دعا و نیایش به زندگی آینده‌سازان میهن اسلامی بهره گرفت؟

همه آفرینش کتاب خداست. ما معلمان باید به فرزندانمان کمک کنیم که فن خواندن کتاب آفرینش را بیاموزند و چراغ تفکر در هستی و آیات خدا را در جان خویش بیفروزند.

زیبایی و نظم هستی معرف قدرت هستی‌آفرین است. خوب است در خانه و مدرسه، ذهن و اندیشه کودکان و نوجوانان را بدون اکراه با ناظم و مدبر هستی آشنا کنیم.

چوایه و اما سؤالی مشخصاً درباره کتاب شما. متن نیایش‌های کتاب از چه منابعی گرفته شده‌اند؟ آیا اشعار متناسب با متن در هر بخش، سروده جناب عالی هستند؟

۳۳ سال پیش که اولین فرزندم به دنیا آمد، همسرم گفت من لالایی بلد نیستم. متنی را بنویس تا آن را بر بالین نوزادم زمزمه کنم. من هم فی‌البدهه ابیاتی را در قالب مثنوی و با محتوای نیایش سرودم و به ایشان دادم که با کمی تغییر برای سایر فرزندانمان مورد استفاده قرار گرفت.

پس از چندی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر متوسل برای درج یکی از اشعارم در کتاب‌های درسی دبستان با من تماس گرفت. آن گفت‌وگو مرا برانگیخت تا برای رشد فکری و دینی نوجوانان مجموعه «دعا و نیایش» را به‌نظم و نثر بنویسم و خوش‌بختانه مورد استقبال «انتشارات مدرسه» قرار گرفت و به زینت طبع آراسته شد.

بله، اشعار کتاب و متون نیایش را با الهام از ادعیه و معارف اسلامی و متناسب با نیازهای امروز جامعه گفته‌ام، هر چند بر این باورم که کارهای شایسته‌تری باید در این زمینه عرضه شوند.

کودک و نوجوان با فطرت پاک می‌تواند آسان‌تر با خدا ارتباط برقرار کند. باید با ظرافت بر کارآمدی مشوق‌ها افزود و نوعی خودانگیختگی فطری در نسل نو ایجاد کرد تا با نشاط و بی‌ریا به خدا روی آورند و با خالق خود راز و نیاز کنند



پای صحبت دکتر حسن دولت‌آبادی، نویسنده



نمایش‌نامه‌های آسان برای اجرا در مدرسه

اعظم اسلامی

یعنی تمرین زندگی. باید به این نکته توجه داشته باشیم که اگر آن‌ها را از بازی‌های کودکانه محروم کنیم، کودکی آن‌ها را ناقص کرده‌ایم و حتماً در بزرگسالی هم ناقص خواهند بود. تئاتر هم برای کودکان و نوجوانان تمرین زندگی است.

کودک در تئاتر می‌آموزد حقوق خود را بشناسد و طلب کند و در عین حال به حقوق دیگران هم احترام بگذارد. کودکی که در تئاتر نقش دارد، می‌آموزد دنیا فقط به او تعلق ندارد. اگر حتی نقش اصلی را هم بازی کند، در جایی باید کنار بایستد و به دیگری فرصت مطرح شدن بدهد. به این ترتیب تئاتر به او می‌آموزد، حقوق خویش را بشناسد و به حقوق دیگران احترام بگذارد. این یکی از قابلیت‌های تئاتر است. تئاتر دیدگاه وسیع‌تر و نگاه واقعی‌تر نسبت به زندگی را به کودکان و نوجوانان می‌آموزد. پس چرا آن‌ها را از این امکان مهم و بسیار تأثیرگذار محروم کنیم؟!

چوایه از چه سنی می‌توان آموزش تئاتر را شروع کرد؟

○ کودکان از سنی که حرف زدن را شروع می‌کنند، آمادگی آموزش دارند. نوزاد از چهره پدر و مادر متوجه می‌شود که آن‌ها عصبانی هستند یا خوشحال. بنابراین ما می‌توانیم از سنی که کودک شناختش را آغاز می‌کند، رفتارهای نمایشی را درباره او اعمال کنیم. اما در تئاتر صحنه‌های دایره‌واژگان از جمله امور مهم است. وقتی دایره‌واژگان کودکان کامل شد، حتی می‌توانیم در خانه هم تئاتر اجرا کنیم.

چوایه آیا تئاتر و نمایش با هم تفاوتی دارند؟

○ بله. نمایش همه آن چیزهای نمایش دادنی است. فوتبال را یک نمایش دانسته‌اند. تعزیه یک نمایش است. سیاه‌بازی هم نمایش است. در نمایش یک سلسله از رفتارهای بیرونی دیده

اشاره

دکتر حسن دولت‌آبادی متولد سال ۱۳۳۵ در ساری است. او دارای لیسانس بازیگری و کارگردانی از دانشکده هنرهای دراماتیک دانشگاه هنر، فوق‌لیسانس تئاتر از دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز و دکترای درجه یک کارگردانی است. دکتر دولت‌آبادی یکی از پرکارترین افراد در عرصه تئاتر محسوب می‌شود.

مجموعه ۳۰ جلدی «نمایش‌نامه‌های آسان» برای اجرا در کلاس درس و صحنه تئاتر شامل ۱۵۰ نمایشنامه و بخش‌های ضمیمه، طرحی ابتکاری است که به مربی یا دانش‌آموز ناآشنا به کارگردانی تئاتر فرصت تولید و اجرای تئاتر می‌دهد. این مجموعه برای سه مقطع دبستان، دوره اول دبیرستان و دوره دوم دبیرستان نوشته شده است. ویژگی این کتاب‌ها بخش‌های جانبی آن است. بخش‌های طرح پیشنهادی برای کارگردانی و بازیگری غیرعروسکی و عروسکی، تحلیل اشخاص نمایش و گفت‌وگوی پیش از اجرا.

چوایه آقای دکتر دولت‌آبادی از اینکه وقت خود را

برای گفت‌وگو در اختیار ما قرار دادید، متشکریم، لطفاً بفرمایید نقش تئاتر در فرایند یادگیری کودکان چیست؟

○ تئاتر با فطرت انسان سروکار دارد و مبنای آن برای کودک و نوجوان آموزش، تربیت و آماده‌سازی برای زندگی امروز و آینده است. آیا تا به حال فکر کرده‌اید بازی‌های کودکی چه تأثیری دارند؟ کودک در بازی رفتارهای بزرگسالانه را تجربه می‌کند. ما خیلی چیزها را از بازی‌هایمان می‌آموزیم. مثلاً دختر بچه‌ای که در بازی‌هایمان می‌پذیرد، و دوست او مهمانش می‌شود، رفتارهای بزرگسالان را تکرار می‌کند و آن رفتارهایی را که دوست ندارد و برایش جذاب نیستند، حذف می‌کند. این

تئاتر شدم، هفت سال بود که تئاتر بازی می‌کردم. پس ارتباط اولیه من با تئاتر از آموزش و پرورش آغاز شد. فعالیت‌های من در این زمینه همچنان ادامه داشت تا اینکه بعدها چند دوره به مربیان کارشناسی آموزش و پرورش استان‌های مازندران، مرکزی و کردستان تئاتر درس دادم. آن زمان در عرصه‌های گوناگون تئاتری با آموزش و پرورش همکاری داشتیم و این سبب شد با آموزش و پرورش بیشتر آشنا شوم.

امروز می‌دانم که در آموزش و پرورش ما استثنایی وجود دارند. مثلاً اختلاط دو جنس نداریم و مضامین مورد نظر مدارس ایران اسلامی ضرورت‌هایی را ایجاب می‌کنند. علاوه بر این، متأسفانه تئاتر واحد درسی نیست و زمان و امکاناتی برای تئاتر مدارس

در نظر گرفته نشده است. مهم‌ترین کاستی تئاتر آموزش و پرورش نبودن نیروهای متخصص برای تولید تئاتر در مدارس است. وجود این شرایط از یک سو و ضرورت پرداختن به تئاتر در مدارس به عنوان عامل مؤثری در شناخت و آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای آینده، همواره ذهنم را درگیر این ضرورت و نیاز می‌کرد. فکر می‌کردم چه‌طور می‌شود در یک مدرسه تئاتر داشت و این مشکلات را هم حل کرد.

باید به این نکته توجه داشته باشیم که اگر بچه‌ها را از بازی‌های کودکانه محروم کنیم، کودکی آن‌ها را ناقص کرده‌ایم و حتماً در بزرگسالی هم ناقص خواهند بود. تئاتر هم برای کودکان و نوجوانان تمرین زندگی است

چوایه به نظر خودتان کدام یکی از ویژگی‌های کتاب‌های شما موجب شده است مورد اقبال قرار بگیرند؟

شاید به این دلیل که در تمام لحظاتی که می‌نوشتیم، فقط به فکر تأثیرات فراگیر این هنر بر کودکان و نوجوانان سرزمینم بودم. وقتی می‌نوشتیم به این فکر می‌کردم که مربیان و دانش‌آموزان ناآشنا با کارگردانی و بازیگری چگونه باید این نمایش‌نامه را کارگردانی و اجرا کنند. فکر می‌کردم، من که نمی‌توانم به همه شهرهای ایران بروم و توضیح بدهم که چگونه کارگردانی و بازیگری کنند. به این نتیجه رسیدم که شیوه کارگردانی هر نمایش‌نامه را ضمیمه‌اش کنم. بعد بررسی کردم آیا تنها توجه کردن به کارگردانی کافی است؟ تکلیف بازیگر چه می‌شود؟ بازیگر را چگونه آماده کنیم؟ آن‌ها وقت ندارند مثلاً سه ماه شخصیت‌ها را تحلیل کنند و برای بیان، حرکت و میزانشن وقت بگذارند. به همین خاطر تحلیل همه شخصیت‌های نمایش‌نامه را نوشتیم. بعد هم تم‌های نمایش‌نامه را نوشتیم و توضیح دادم؛ هم تم اصلی و هم تم‌های فرعی را. همه این‌ها زمان برد. نوشتن اولین نمایش‌نامه من سه سال و نیم طول کشید. وقتی دیدم کار خوبی شده است، شروع کردم به تست زدن و کار کردن روی نمایش‌نامه‌های بعدی.

چوایه نوشتن این مجموعه چه قدر زمان برد؟

۱۱ سال طول کشید تا ۱۵۰ نمایش‌نامه را نوشتیم. حاصل کار



می‌شوند. به این ترتیب برخی رفتارهای قراردادی ما هم جنبه نمایشی به خود می‌گیرند. مثلاً، وقتی که مادری با تلفن صحبت می‌کند و فرزندش مدام می‌آید و درخواست توجه دارد. اگر مادر با او قرار بگذارد و بگوید: اگر دیدی من در حال صحبت با تلفن هستم، کافی است دست مرا فشار بدهی. من هم دست تو را فشار می‌دهم که یعنی متوجه شدم. این یک رفتار نمایشی است. اما وقتی از تئاتر صحبت می‌شود، در حقیقت یک ساختار کامل دراماتیک را در نظر داریم. در آن درگیری وجود دارد. در دو سوی این درگیری دو نیروی پروتاگونیست و آنتاگونیست مثبت و منفی وجود دارند. موانعی سر راه قهرمان ایجاد می‌شود و در یک سیر نمایشی، شاهد گره‌افکنی و گره‌گشایی هستیم. در شخصیت‌سازی که صورت می‌پذیرد، با یک رفتار صرفاً فیزیکی بیرونی سروکار نداریم، بلکه با ارائه ابعاد چهارگانه شخصیت، شاهد شکل‌گیری تئاتر هستیم.

با این تعریف، در تئاتر با شخصیت سروکار داریم. می‌دانیم که شخصیت هر کسی از چهار بعد فیزیکی، روحی، اجتماعی و جهان‌بینی تشکیل شده است. بعد چهارم مواضع او را نسبت به هستی معرفی می‌کند. اینجاست که ساختار دراماتیک کامل می‌شود.

چوایه چه چیزی باعث شد به فکر نوشتن کتاب‌های

نمایش‌نامه‌های آسان... بیفتید؟

تئاتر را در دوران مدرسه شروع کردم. زمانی که دانشجوی

۳۰ جلد کتاب با حدود ۷۵۰۰ صفحه شد. ۵ جلد مناسب گروه سنی مهدکودک و دبستان، ۱۵ جلد مناسب دوره اول دبیرستان و ۱۰ جلد هم مناسب دوره دوم دبیرستان است.

چگونه منابع نمایش‌نامه‌ها چیست؟

بخشی از داستان‌ها از خودم هستند. بخشی هم از قصه‌ها، افسانه‌ها و داستان‌های فارسی گرفته شده‌اند.

تفاوت اجرای تئاتر در کلاس درس و صحنه تئاتر در چیست؟

در کلاس کاستی‌هایی داریم. در صحنه تئاتر یک ورودی و یک خروجی هست، اما در کلاس درس معمولاً چنین چیزی نداریم. بازیگری که وارد می‌شود، از کجا بیرون برود؟ در کلاس دکور هم نداریم. در کلاس امکانات بسیار کم است و شاید همین باعث می‌شود آموزگاران کمتر برای تدریس سراغ تئاتر بروند.

چگونه آیا برای جبران این کمبودها پیش‌بینی‌هایی داشته‌اید؟

در نوشتن این مجموعه به حداقل امکانات فکر کردم. در نظر بگیرید، چه چیزهایی در یک کلاس داریم. یک در، احتمالاً

انتظار من از مسئولان کشورم این است که به‌جای اینکه انرژی و پول کشور را صرف بهره‌گیری از نیروی قهریه در بزرگسالی کنند، با استفاده از لطافت و تأثیرگذاری تئاتر و پذیرش این هنر قدرتمند، کودکان و نوجوان را برای آینده‌ای متعادل‌تر و جامعه‌ای آرام و خالی از تنش آماده سازند.

یک پنجره، یک تخته سیاه یا سفید، میز معلم، یک جالباسی و یک قفسه کوچک، یک سطل زباله، میزها و صندلی‌هایی که دانش‌آموزان بر آن می‌نشینند... من سعی کردم فقط از همین امکانات بهره ببرم. البته مهم‌ترین چیزی که در یک کلاس درس داریم و می‌توانیم از آن به خوبی بهره بگیریم، تماشای دانش‌آموز است که سرمایه بزرگی محسوب می‌شود.

چگونه آینده تئاتر را در مدارس کشورمان چگونه می‌بینید؟

من پیشگو نیستیم، اما می‌توانم آرزو کنم روزی بشود که از این امکان بزرگ در تدریس درس‌ها بهره گرفته شود. من این نمایش‌نامه‌ها را صرفاً برای تولید تئاتر ننوشته‌ام، بلکه برای سلامت فرزندان ایران و کشورم نوشتم. تمام وقت به این فکر می‌کردم که آیا نمایش‌نامه‌های من می‌توانند به سلامت روح فرزندان کشورم کمک کنند. اولین وظیفه ما دست‌اندرکاران تئاتر کودک و نوجوان قبل از تولید این است که مسئولان کشورمان را از اهمیت تئاتر برای ساختن یک جامعه متعادل واقف کنیم و بگوییم که تئاتر اولین، آسان‌ترین و تأثیرگذارترین امکان برای تعادل جامعه است. دیدگاه اشتباهی که در ایران وجود دارد، این است که تئاتر یک امکان صرفاً سرگرم‌کننده است.

چگونه و حرف آخر...

قابلیت و ارزش کار معلم‌های ابتدایی در مقایسه با دیگر همکاران محترم‌شان مثلاً در دبیرستان، هنوز آنچنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. این معلمان عزیز تنها با دانش سروکار ندارند، آن‌ها با احساس بچه‌ها هم سروکار دارند. همان‌طور که معلمان ابتدایی جایگاه خودشان را پیدا نکرده‌اند، تئاتر کودک هم جایگاه خودش را پیدا نکرده است.

انتظار من از مسئولان کشورم این است که به‌جای اینکه انرژی و پول کشور را صرف بهره‌گیری از نیروی قهریه در بزرگسالی کنند، با استفاده از لطافت و تأثیرگذاری تئاتر و پذیرش این هنر قدرتمند، کودکان و نوجوان را برای آینده‌ای متعادل‌تر و جامعه‌ای آرام و خالی از تنش آماده سازند. از این امکان بهره بگیریم، آنچنان که جهان متفکر امروز با وجود امکانات فناورانه متنوع، بار دیگر از تئاتر برای ساختن شخصیت کودکان و نوجوانان استفاده می‌کند.



عکس: محمدرضا رهیده



بامشق نیکوزیبا تر بنویسیم

اکرم السادات موسوی

اشاره

خانم عادلہ سلیمانی متولد ۱۳۵۷ در سبزوار، از جمله دبیران کوشا و فعال درس هنر مدرسه‌های شهرستان نیشابور است. وی هنرجوی فوق ممتاز انجمن خوش‌نویسان ایران نیز محسوب می‌شود که تا به حال ۱۳ مقام منطقه‌ای و ۸ مقام استانی و یک بار نیز رتبه اول خوش‌نویسی کشوری را در «جشنواره دانشجویی زنجان» کسب کرده است. در سال جاری و هم‌زمان با روز دانشجو، سلیمانی به‌عنوان دانشجوی پژوهشگر نمونه انتخاب شد. از ایشان چهار عنوان کتاب به‌نام «آموزش و تمرین خطر تحریری» در پایه‌های دوم تا پنجم ابتدایی به جشنواره راه پیدا کرده‌اند و به همین بهانه گفت‌وگویی با ایشان داشته‌ایم که در پی می‌آید.

۹۰۱۹ بعد از دو بار که مورد تأیید معاونت سامان‌دهی قرار نگرفت، عکس‌العمل شما چه بود؟

○ خوب من کتاب‌هایم را شایسته معرفی در کتاب‌نامه رشد می‌دانستم، چون استقبال خوبی از کتاب‌هایم شده بود. معمولاً مدیر هر مدرسه‌ای که کتاب‌ها را می‌خرد، به مدیران دیگر نیز سفارش می‌کرد که آن‌ها نیز برای دانش‌آموزان مدرسه خود این کتاب‌ها را بخرند. به علاوه تماس‌های زیادی از طرف والدین داشتیم که به‌خاطر تأثیر این کتاب بر خوش‌خطی فرزندانشان تشکر می‌کردند. حتی از شهرهایی که ما هیچ نماینده‌ای در آن‌ها نداشتیم، درخواست کتاب می‌شد.

۹۰۲۰ پس چگونه متوجه ایرادات خودتان شدید؟

○ پس از آن تصمیم گرفتم که برای برطرف کردن ایراداتم به تهران بیایم و شخصاً به دبیرخانه سامان‌دهی مراجعه کنم. پس از مطالعه برگه‌های کارشناسی آن دبیرخانه متوجه چند ایراد اساسی کتاب‌هایم شدم: اول اینکه متوجه شدم نشانه‌گذاری حرکت قلم برای نگارش حروف و اتصالات را هم باید انجام بدهم. بعد اینکه باید ترتیب حروف را رعایت می‌کردم. علاوه بر این آموزش از ساده به دشوار را رعایت نکرده بودم، و آخر اینکه نحوه به‌دست گرفتن قلم برای نوشتن را هم باید آموزش می‌دادم.

۹۰۲۱ در ویرایش جدید چه تغییرات دیگری در کتاب‌هایتان داده‌اید؟

○ در ویرایش جدید، چند صفحه اول کتاب‌هایم را به آموزش و تمرین مختصر خط تحریری اختصاص داده‌ام و برای هر کلمه چهار حالت در نظر گرفته‌ام: خط اول که سرمشق است، خط دوم برای تمرین، خط سوم برای تقویت دست و خط چهارم را هم برای خودآزمایی دانش‌آموز خالی گذاشته‌ام. در ضمن به هنرجویان این مورد را تأکید کرده‌ام که برای نتیجه‌گیری مطلوب، سرمشق‌های کتاب را به‌صورت ستونی پر کنند. یعنی هر کلمه را تا پایین صفحه ادامه دهند و بعد از آن کلمه بعدی را شروع کنند.

۹۰۲۲ در صحبت‌های پایانی چه توصیه‌ای برای معلمان دارید؟

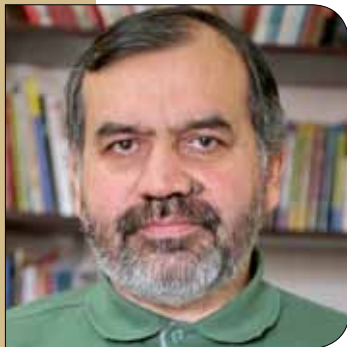
○ پژوهش و تحقیق امری پویا و بدیع است که در کشور ما رونق پیدا کرده است و ما معلمان همگی می‌توانیم در این امر برای شکوفایی استعدادهای فرزندانمان پیش‌قدم باشیم.

۹۰۲۳ خانم سلیمانی چه شد که به فکر نگارش کتاب «آموزش و تمرین خط تحریری» افتادید؟

○ در سال ۱۳۸۴ مقاله‌ای تدوین کردم به نام «علل بدخطی دانش‌آموزان» که به‌عنوان مقاله پژوهشی برتر در استان خراسان برگزیده شد. بعد از آن به فکر افتادم که چگونه می‌توان با حداقل هزینه و در کوتاه‌ترین زمان، گامی برای اصلاح این مشکل آموزشی برداشت. واضح است که تنها وسیله‌ای را که به راحتی می‌توان در دسترس همگان قرار داد، کتاب است، پس تألیف کتاب را انتخاب کردم.

ابتدا در سال ۱۳۸۸ یک کتابی برای همه رده‌های سنی به نگارش درآوردم و سعی کردم اکثر قواعد مورد نیاز برای خوش‌نویسی نستعلیق تحریری را آموزش بدهم تا هر خواننده علاقه‌مندی بتواند با تمرین و ممارست خط خود را اصلاح کند. پس از آن برای اینکه هم‌زمان با زبان‌نویسی، سواد نوشتاری دانش‌آموزان بهبود یابد، برای همه پایه‌های دبستان مجموعه کتاب‌های تحریری «مشق نیکو» را بر اساس کتاب «بخوانیم و بنویسیم» دوره ابتدایی و کتاب فارسی دوره راهنمایی به رشته تحریر درآوردم که در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیدند.

ناشر کتاب‌ها را برای کارشناسی فرستاد که متأسفانه هیچ کدام از هشت کتاب مزبور مورد تأیید معاونت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی قرار نگرفتند. در سال ۱۳۹۱ هم، ناشر کتاب‌های شش پایه ابتدایی را پس از ویرایش جدید مجدداً برای کارشناسی فرستاد که باز مورد تأیید قرار نگرفتند.



پای صحبت محمد حسین نیرومند، نویسنده

ارتقای سواد بصری از دوربین مدیریت چشم مخاطب

اعظم لاریجانی

چوایه چرا عملکرد فیزیولوژی چشم که در کتاب به طور مفصل به آن پرداخته‌اید، در درک آثار هنری یا بررسی خلاقیت در آن‌ها مهم است؟

در مغز جایی هست که از چپستی سؤال می‌کند و جایی که از کجا سؤال می‌کند. این چه و کجا سیستمی را در بینایی ایجاد می‌کند که شامل تمرکز است تا ما بفهمیم چیست. سپس رها می‌شویم و می‌رویم سراغ چه بعدی. برای مثال، وقتی یک تابلو را می‌بینیم، بخشی از تصویر را می‌بینیم. آن را دریافت و بعد رها می‌کنم و به بخش دیگر می‌پردازم. یعنی این اتفاق می‌افتد: تمرکز، پرش و دوباره تمرکز و پرش و... تا کل تصویر دریافت شود. آنچه که می‌بینیم حاصل این تمرکزها و پرش‌هاست که اسمش «ساکاده» است. این سازوکار دیدن است. در هنرهای تصویری اطلاعات در قالب نشانه‌های تصویری سازمان‌دهی می‌شوند. این نشانه‌های تصویری از طریق چشم مخاطب دریافت می‌شوند. پس اثر هنرمند در گام نخست باید با فیزیولوژی چشم هماهنگ باشد. همچنین، مخاطب با آگاهی از سازوکار دیدن،

کتاب «مدیریت چشم مخاطب» نخستین کتابی است که خلاقیت در آثار هنری را از منظر عملکرد فیزیولوژی چشم بررسی می‌کند. محمد حسین نیرومند، مؤلف این کتاب و فرهنگ‌سرای میردشتی، ناشر این کتاب است. مؤلف در این کتاب با ارائه نمونه‌های تصویری در زمینه هنرهای تجسمی و سینما، به بررسی توانایی چشم انسان در دریافت مفاهیم بصری و سازمان‌دهی نشانه‌های تصویری می‌پردازد.

چوایه ایده تألیف کتاب چگونه برای شما مطرح شد؟

سال‌ها سؤالی در ذهنم بود که چگونه می‌شود خنده ایجاد کرد؟ آیا قاعده‌ای برای ایجاد خنده وجود دارد؟ با بررسی ساختار لطیفه مشخص است که لطیفه یک مقدمه و سپس پرداخت دارد که ما را به سمتی می‌برد که انتظار نداریم. به قول یک فیلسوف: «خنده حاصل تعجب است.» من به دنبال پاسخ این سؤال بودم که: «آیا این ساختار در هنر کاریکاتور هم هست.» لطیفه در گذر زمان اتفاق می‌افتد، اما وقتی به یک کاریکاتور نگاه می‌کنیم، انگار در زمان فریز شده است. قداما معتقد بودند ما دو نوع هنر داریم:

۱. هنرهای زمانمند که در گذر زمان اتفاق می‌افتند؛ مثل سینما.
۲. هنرهایی که بی‌زمان‌اند؛ مثل نقاشی، مجسمه‌سازی و کاریکاتور.

اما امروزه اهل دانش متوجه شده‌اند که دیدن هم یک فرایند زمانی دارد که طی آن، باید عناصر تصویر را کشف و دریافت کنی. پس چیزی به نام هنرهای بدون زمان وجود ندارد. این زمانمندی در دیدن، مبتنی بر فیزیولوژی دیدن است. من در سال ۱۳۷۳ در نشریه «کیهان کاریکاتور» سلسله مقالاتی می‌نوشتم و در آن مقالات سعی می‌کردم، به این سؤال‌ها پاسخ دهم. از آن وقت به مدت ۲۰ سال، در حوزه‌های متفاوت تصویری هر چه می‌یافتم، فیش‌برداری می‌کردم تا بالاخره به این نتیجه رسیدم که وقت انتشار آن رسیده است.



↑ عکس: ابراهیم سیسان

ساده‌تر به رمزگشایی اثر می‌پردازد.

○ کتاب‌های موجود در بازار کاملاً ذهنی و انتزاعی‌اند، اما در این کتاب مبانی به شیوه‌ای مطرح می‌شوند که پایش روی زمین استوار است و ذهنی نیست.

چرا؟ آیا یک هنرمند باید با فیزیولوژی چشم آشنا باشد تا بتواند نشانه‌ها را در یک تصویر بچیند؟

○ در طول تاریخ هنرمندان حسی کار کرده‌اند و لزومی ندارد هنرمند سیستم دریافت علمی را مطالعه کند. ولی وقتی سخن از آموزش مطرح می‌شود، بحث تسریع در انتقال داده‌هایی است که طی هزاران سال حاصل شده‌اند. بنابراین به‌عنوان هنرمند معاصر برای اینکه فهم و دریافت را برای مخاطب آسان کنیم، لازم است با دریافت فیزیولوژیکی و روان‌شناسانه آشنا باشیم.

چرا؟ آیا دانش‌آموزان و هنرجویان هم می‌توانند مخاطب این کتاب باشند؟

○ بله. در کتاب‌های هنرستان بحثی درباره‌ی سازوکار دیدن نمی‌شود. قواعد هنرهای تجسمی به همین فیزیولوژی برمی‌گردد که در مدارس و دانشکده‌های هنری به آن اشاره‌ای نشده است. آشنایی با این مقوله به دانش‌آموز کمک می‌کند که یک اثر را بهتر دریافت کند. به‌عبارت دیگر، این کتاب کمک می‌کند که هم آموزش دادن و هم پاسخ‌گویی ساده شود.

چرا؟ رویکرد این کتاب علمی است. این رویکرد چه قدر به درک مبانی هنرهای تجسمی کمک می‌کند؟

○ اساس مبانی هنرهای تجسمی همین مباحث علمی است. آنچه که ما دریافت می‌کنیم، مبتنی بر سیستم طراحی خداوند تعالی است. خداوند می‌گوید این‌طور ببینید. «کمپوزیسیون» یعنی نحوه‌ی مدیریت چشم مخاطب. یعنی هنرمند با آگاهی از سازوکار دیدن، به شیوه‌ای طراحی کند که مخاطب بتواند مفهومی را که مدنظر هنرمند است، دریافت کند.

چرا؟ روایت شما از مبانی هنرهای تجسمی چه تفاوت مهمی با روایت‌های موجود دارد؟

چرا؟ خلأ کتاب‌های مناسب در زمینه‌ی هنرهای تجسمی را ناشی از چه می‌دانید؟

○ مهم‌ترین مشکل این است که بیشتر ترجمه می‌کنیم.

ترجمه آب‌شخوری دارد که از ما نیست. از جایی نشئت گرفته است که با فرهنگ ما متفاوت است. مبانی هنرهای شرق و غرب تفاوت‌هایی دارند. ما به هنرجویان یاد می‌دهیم، چگونه حرف بزنند، اما یاد نمی‌دهیم که چه بگویند. این یعنی هنر برای هنر. به‌عبارت دیگر، بیش از حد به فرم می‌پردازیم.

ما باید دانش‌آموز را به سمت دانسته‌های فرهنگی خودمان سوق دهیم که با دیدن مسجد و نقاشی نگارگری ایرانی لذت ببرد. اگر سواد بصری و شنیداری دانش‌آموزان را ارتقا دهیم، دیگر او به هر موسیقی گوش نمی‌دهد و به هر تصویر و فیلم نامناسبی نگاه نمی‌کند.

چرا؟ جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی تا چه اندازه می‌تواند به معرفی کتاب‌های منتشر شده کمک کند؟

○ در ایران تبلیغ کتاب چندان مناسب نیست. در واقع کتاب باید خودش، خودش را تبلیغ کند. من وقتی شنیدم کتابم به جشنواره حضور دارد، خیلی خوش‌حال شدم. این جشنواره به معرفی کتاب‌های مناسب و دیده شدن آن‌ها کمک می‌کند و زمینه‌ی آشنایی مخاطبان را با کتاب فراهم می‌آورد. من واقعا دوست دارم امکان تبلیغ کتاب فراهم شود.

ما باید دانش‌آموز را به سمت دانسته‌های فرهنگی خودمان سوق دهیم که با دیدن مسجد و نقاشی نگارگری ایرانی لذت ببرد. اگر سواد بصری و شنیداری دانش‌آموزان را ارتقا دهیم، دیگر او به هر موسیقی گوش نمی‌دهد و به هر تصویر و فیلم نامناسبی نگاه نمی‌کند